

آیه ۱۵۸

آیه و ترجمه

۱۵۸ هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة او ياتي ربك او ياتي بعض ايت ربك يوم ياتي بعض ايت ربك يوم ياتي بعض ايت ربك لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا قل انتظروا انامنتظرون
ترجمه :

۱۵۸ - آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان مرگ به سراغشان بیایند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید (چه انتظار محالی؟! یا پاره‌ای از آیات پروردگار (و نشانه‌های رستاخیز) اما آن روز که این آیات و نشانه‌ها تحقق پذیرد ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند و یا عمل نیکی انجام نداده‌اند سودی به حالشان نخواهد داشت، بگو (اکنون که شما چنین انتظارات غلطی دارید) انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شمارا) می‌کشیم!

تفسیر :

انتظارات بیجا و محال!

در آیات گذشته این حقیقت بیان شد که ما حجت را بر مشرکان تمام کردیم و کتاب آسمانی یعنی قرآن را برای هدایت همگان فرستادیم تا هیچگونه بهانه‌ای برای توجیه مخالفت‌های خود نداشته باشند. این آیه می‌گوید: اما این افراد لجوج به اندازه‌ای در کار خود سرسختند،

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۶

که این برنامه روشن نیز در آنها تاثیر نمی‌کند، گویا انتظار نابودی خویش، یا از میان رفتن آخرین فرصت، و یا انتظار امور محالی را می‌کشند. نخست می‌گوید: آنها جز این انتظار ندارند که فرشتگان مرگ به سراغشان بیایند! (هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة)
«یا اینکه پروردگارت به سراغ آنها بیاید و او را ببینند، و ایمان بیاورند!!» (او یاءتی ربک)

در حقیقت آنها انتظار امر محالی را می‌کشند، نه اینکه آمدن خداوند یا مشاهده او امکان‌پذیر باشد، و این درست به آن می‌ماند، که به شخص قاتل لجوجی که

پس از ارائه مدارک کافی، باز منکر جرم خود می‌باشد، بگوئیم اگر اینهمه مدارک را قبول نداری لابد انتظار داری شخص مقتول زنده شود و در دادگاه حضور یابد و شهادت بدهد که تو او را کشته‌ای!

سپس می‌گوید: «(یا اینکه بعضی از آیات و نشانه‌های پروردگار که در آستانه رستاخیز و پایان جهان، واقع می‌شود، و به دنبال آن درهای توبه بسته خواهد شد، انجام گیرد)» (او یاتی بعض آیات ربک).

بنابراین تعبیر به «آیات ربک» اگر چه به صورت کلی و سر بسته ذکر شده اما می‌تواند به قرینه جمله‌های بعد که تفسیر آن خواهد آمد، به معنی نشانه‌های رستاخیز بوده باشد، مانند زلزله‌های وحشتناک، و بی فروغ شدن خورشید و ماه و ستارگان و امثال اینها.

و یا اینکه منظور از آن درخواستهای نامعقولی بوده است که آنها از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشتند، از جمله اینکه می‌گفتند ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه سنگهای آسمانی بر سر ما ببارد و یا بیابان خشک و سوزان حجاز پر از چشمه‌ها و نخلستانها شود!

و به دنبال آن اضافه می‌کند: «آن روز که چنین آیات صورت پذیرد، ایمان

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۷

آوردن افراد بی‌ایمان و آنها که عمل نیکی انجام نداده‌اند، پذیرفته نخواهد شد» و درهای توبه به روی آنان بسته می‌شود، زیرا توبه و ایمان در آن هنگام، صورت اجباری و اضطراری به خود می‌گیرد، و ارزش ایمان و توبه اختیاری را نخواهد داشت (یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا).

از آنچه گفتیم روشن شد که جمله «او کسبت فی ایمانها خیرا» به این معنی است که در آن روز نه تنها ایمان آوردن سودی نخواهد داشت، بلکه آنها هم که ایمان آورده‌اند ولی عمل صالحی انجام نداده‌اند در آن روز انجام عمل صالح به حال آنها، نفعی ندارد، چه اینکه اوضاع و احوال طوری است که هر کسی بی اختیار دست از کارهای خلاف برمی‌دارد و به سوی عمل صالح اجبارا روی می‌آورد.

در پایان آیه با لحنی تهدیدآمیز به این افراد لجوج می‌گوید: «اکنون که شما چنین انتظاری را دارید در انتظار خویش بمانید، ما هم در انتظار (کیفر

دردناک شما) خواهیم بود»، (قل انتظاروا انا منتظرون).

ایمان بدون عمل سودی ندارد.

از نکات جالبی که از آیه فوق استفاده می شود این است که راه نجات رادر ایمان، آن هم ایمانی که در پرتو آن اکتساب خیری شود و اعمال نیک انجام گیرد، معرفی می کند.

ممکن است این سؤال پیش آید که آیا ایمان به تنهایی کافی نیست هرچند خالی از تمام اعمال نیک باشد؟

در پاسخ می گوئیم درست است که افراد با ایمان ممکن است لغزشهایی داشته باشند و مرتکب گناهایی شوند و از گناهان خود نیز پشیمان گردند، و به اصلاح خویش پردازند، ولی کسی که هیچگونه عمل نیکی در تمام عمرش انجام نداده و فرصت کافی داشته است، بلکه به عکس هر گونه گناه و زشتکاری از او سر

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۸

زده، بسیار بعید به نظر می رسد که اهل نجات باشد و ایمان او به تنهایی مفید واقع شود، زیرا اصولاً نمی توان باور کرد کسی ایمان به مکتبی داشته باشد ولی در تمام عمرش، حتی یکبار، به برنامه های آن مکتب عمل نکند، بلکه به عکس همه دستورات آن را زیر پا بگذارد، این خوددلیل روشنی بر عدم ایمان او است، و به این ترتیب ایمان باید حداقل با قسمتی از اعمال نیک همراه باشد، تا معلوم شود ایمانی وجود دارد.